



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۹/۱۱

مرکز مطالعات استراتژیک و منطقی

بی سوادی مشکل دیرینه مردم افغانستان



مقدمه

هشتم سپتامبر که مصادف است به هفدهم ماه سنبله و روز جهانی سواد، از این روز در حالی در سراسر دنیا تجلیل می شود که افغانستان از سوی اداره بررسی جمعیت جهان با داشتن ۳۸،۲ درصد نفوس با سواد یکی از سه کشوری خوانده شده است که بیشترین بی سوادان را در خود دارد. ضمن گفتگوی اختصاصی، مرکز مطالعات استراتژیک و منطقی با مسئولین وزارت معارف و معینیت سواد آموزی دولت جمهوری اسلامی افغانستان دریافت نموده است، که ۶۰ درصد مردم این کشور که حدود ده میلیون تمام نفوس را در بر میگیرد بی سواد می باشند. همزمان با این داکتر سردار محمد رحیمی معین بخش سواد آموزی و سخنگوی وزارت معارف بیان میدارند که از میان ۹،۴ میلیون شاگرد در مکاتب افغانستان ۳،۷ درصد آن، از رفتن به مکتب دور مانده اند.

در حالیکه رقم بی سوادان در این کشور از چندین سال به این طرف همواره ده میلیون گزارش می شود. خانم نوریه نجرابی سخنگوی وزارت معارف کشور می گوید که تا سال ۲۰۳۰م ۶۰ درصد مردم افغانستان را با سواد خواهند ساخت. او همچنین می گوید که طبق معمول بیشترین بخش بودجه امسال دولت افغانستان که ۳۸ میلیارد افغانی می شود به این وزارت اختصاص داده شده است.

این که چرا کشور ما هنوز هم رقم بالای بی سوادی را در خود گنجانیده است؟ در این شماره تحلیل به بحث گرفته شده است.

سواد آموزی، ضرورت جامعه انسانی:

سواد که به حیث اساسی ترین بخش حیاتی و ضرورت حتمی در جوامع انسانی شناخته می شود، آموختن سواد همواره مورد تاکید و تائید ادیان الهی و مذاهب فکری قرار گرفته است، طوریکه در دین مقدس اسلام نزول وحی به کلمه (إقراء) یعنی بخوان به پیامبر اسلام صلوات الله علیه آغاز شده است که البته خواندن و نوشتن از شرط های اساسی سواد آموزی بوده است.

بی سوادی در جهان امروزی به حیث یک پدیده نامیمون، مورد تنفر ملت ها و دولت ها قرار گرفته و همه سعی دارند تا این ویروس مشکل آفرین را از جوامع برداشته آموزش سواد را به حیث ضرورت جدی جهت دفع دشواری ها و چلنج های سر راه شان قرار بدهند، و بسیاری ها نیز در این عرصه موفق بوده اند که می شود به چندی از

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

کشور های منطقه اشاره کرد؛ کشور چین با وجودیکه از لحاظ داشتن نفوس بزرگترین کشور است در حدود ۹۶،۴ درصد با سواد دارد، ترکیه نیز ۹۶ درصد نفوسش با سواد می باشند و ۸۵ درصد نفوس ایران را با سوادان تشکیل میدهد. اما اگر افغانستان با این کشور ها مقایسه شود ، دیده می شود که پروسه سواد آموزی در این کشور حتی به مقایسه کشور های همسایه بسیار عقب بوده است.

در واقع پایه گزار کورس سواد آموزی در افغانستان امان الله خان بوده است که برای اولین بار صنف های سواد آموزی را که در آن زمان به «اکابر» مشهور بودند مخصوص بزرگسالانی که به خواندن و نوشتن معرفت نداشتند تحت نظارت دولت در کابل به راه انداخته بود. همچنین در دوران ظاهر شاه فعالیت های سواد آموزی برای بزرگسالان به طور مناسب ادامه داشتند حتی که نظر به مؤثر بودن آن کشور ایران طی نامه ای خواستار تطبیق برنامه و کتاب های سواد آموزی افغانستان در آن کشور شده بود. اما بعد از ختم دوره ظاهر شاه، هجوم قشون شوروی سابق به افغانستان، جنگ های داخلی و حکومت طالبان در این کشور نه تنها در بخش سواد آموزی پیشرفتی به وجود نه آمده، بلکه حرکت منفی نیز آغاز گردید.

پس از سقوط حکومت طالبان و کمک های جامعه جهانی در عرصه معارف و برنامه سواد آموزی خصوصاً بعد از سال ۲۰۰۸ میلادی به این سو اداره اسکان بشری ملل متحد (یو ان هیتات) و اداره علمی و فرهنگی سازمان ملل (یونسکو) نیز با نهادهای مختلف دولت افغانستان به خصوص وزارت معارف در راستای بلند بردن سطح سواد در این کشور همکاری داشته که مرحله اول برنامه سوادآموزی در سال ۲۰۰۸ با کمک ۳۸ میلیون دالری کشور جاپان آغاز شد و تاهنوز با همکاری یونسکو، سازمان کی پر، یونسف، صلیب سرخ و ده ها مؤسسه دیگر خارجی ادامه دارد، اما به علت فساد اداری، ضعف در مدیریت کاری، فقر اقتصادی، جنگ و ناامنی و مشکلات اجتماعی، افغانستان تا کنون نتوانسته سطح گراف بی سوادان را در این کشور پائین بیاورد حتی که بعد از کشور های بورکینا فاسو و جمهوری آفریقای مرکزی بیشترین بی سوادان را دارد.

رنج بی سوادی و تناقض در ارقام دولتی:

طوریکه بی سوادی یک مشکل عمده و اساسی فراراه پیشرفت و آرامش مردم ما بوده همچنین نبود یک اداره منظم، با تفاهم و وحدت کاری کارمندان دولتی یکی از چلنج های اساسی دولت بوده و مشکل آفرین فراراه شبکه های اطلاعاتی در افغانستان قرار گرفته است. در گفتگوی اختصاصی که مرکز مطالعات استراتژیک و منطقی برای تهیه این گزارش با چند تن از مسؤولین وزارت معارف انجام داده است، نشان میدهد که در ارائه ارقام از سوی مسؤولین در وزارت معارف تناقضات وجود دارد. طوریکه داکتر سردار محمد رحیمی معین بخش سواد آموزی وزارت معارف تعداد مراکز فعال سواد آموزی در سال جاری را ۶۰۰۰ مرکز گفته می افزاید که سالانه ۶۰ هزار تن این اداره فارغ دارد، اما نوریه نجرابی سخنگوی این وزارت تعداد مراکز فعال سواد آموزی را ۵۲۱۹ مرکز گزارش داده ۲۷۷۵ مرکز را مخصوص زن ها و ۲۴۴۴ مرکز دیگر را مخصوص مردان بیان نموده از فراغت حدود صد هزار تن به طور سالانه گزارش میدهد. از سوی دیگر معین بخش سواد آموزی بودجه اختصاص داده شده به این معنیت را حدود دو فیصد از کل بودجه وزارت معارف می گوید در حالیکه سخنگوی این وزارت بودجه اختصاصی در عرصه سواد آموزی را ۵۵،۰ درصد گزارش میدهد.

طوریکه اداره ملی احصائیه مرکزی فعالیت های سواد آموزی در سال مالی ۱۳۹۷ هجری خورشیدی را این گونه گزارش داده است.

شماره	شاخص	واحد مقیاس	مجموع
۱	کورسهای سواد آموزی	باب	۱۱,۹۱۱
۲	مردانه	باب	۷,۸۷۶
۳	زنانه	باب	۴,۰۳۵
۴	شاگردان	شاگرد	۱۹۷,۰۳۲
۵	ذکور	شاگرد	۱۰۶,۳۴۰
۶	اناث	شاگرد	۹۰,۶۹۲
۷	فارغان	شاگرد	۲۱۹,۱۹۰
۸	ذکور	شاگرد	۸۷,۸۳۳
۹	اناث	شاگرد	۱۳۱,۳۵۷
۱۰	معلمان	معلم	۶,۰۴۳
۱۱	ذکور	معلم	۳,۹۱۶
۱۲	اناث	معلم	۲,۱۲۷
۱۳	سوپروایزران	سوپروایزر	۸۷۸
۱۴	ذکور	سوپروایزر	۶۰۸
۱۵	اناث	سوپروایزر	۲۷۰

منبع: اداره ملی احصائیه

البته این اولین مرتبه نیست که این ادارات گزارش های متناقض ارائه می کنند بلکه وزارت معارف در سال ۱۳۸۸ هجری خورشیدی از موجودیت ۱۱ میلیون تن بی سواد در افغانستان خبر داده گفته بود که تا سال ۱۳۹۹ هجری خورشیدی بی سواد در افغانستان را به پائین ترین حد می رساند. در حالیکه تا کنون تغییرات چشم گیری وجود نداشته است. همچنین در سال ۱۳۹۵ خورشیدی وزیر معارف کشور از ۱۵ هزار مرکز سواد آموزی در سراسر کشور که گویا حدود ۵۰۰ هزار تن مشغول آموزش سواد اند خبر داده افزوده بود که به طور سالانه حدود ۳۰۰ الی ۳۵۰ هزار تن از این مراکز فارغ می شوند.

مسئولین در وزارت معارف سال ۱۳۹۱ هجری تعداد افراد بی سواد در کشور را ۱۰ میلیون تن اعلام کرده بود. اما وزیر معارف در سال ۱۳۹۳ از باسواد شدن ۵ میلیون تن سخن گفت و افزود که اکنون ۷ میلیون بی سواد در کشور وجود دارد و همساله نیم میلیون تن از نعمت سواد بهره مند می شوند. نظر به این ارقام در سال جاری باید حد اقل ۵ میلیون بی سواد می داشتیم اما دیده می شود که چنین نیست. هرگاه به ارقام ارائه شده از سوی ادارت مسوول در یک دهه اخیر نسبت به سواد آموزی توجه شود، دیده می شود که این ادارات در بی خبری نسبت به آمار های ارائه شده در این عرصه به سر می برند.

پیشنهادات:

از آنجاکه بی سوادان نخستین موانع در قبال توسعه فردی و اجتماعی و یکی از عوامل دشواری ها برای کشور های رو به توسعه و به خصوص یک معضله همیشگی فراراه مردم افغانستان قرار گرفته است موارد زیر را جهت پیشرفت واقعی در عرصه آموزش سواد حیاتی و کم ساختن میزان بی سواد در کشور، پیشنهاد می کنیم:

- ✓ برای نجات از پدیده شوم بی سوادی نیاز است یک کمپاین ملی توسط رسانه ها، ادارات دولتی، نهاد های مدنی، شرکت های خصوصی و سازمان های بین المللی، صورت بگیرد تا همه باهم علیه این پدیده بیکار نمایند.
- ✓ بهتر است برای برنامه های سواد آموزی عناصر مکانی، زمانی و تعداد محدود افراد حذف شود و افراد بی سواد به روش های خانه به خانه حتی فرد به فرد جذب مراکز گردیده آموزش داده شوند.
- ✓ برای معینیت سواد آموزی بودجه کافی در نظر گرفته شود تا مراکز بیشتر سواد آموزی را گشوده، شبکه کورس های سواد آموزی به خصوص در بخش زنان را توسعه دهد، در عین حال وزارت معارف باید بکوشد تا کیفیت این کورس ها را بالا ببرد.
- ✓ ضرورت است که دولت افغانستان برای موفقیت برنامه های سواد آموزی عوامل عدم حضور مردم در کورس های سواد آموزی را ریشه یابی نموده در جستجوی دفع موانع آن به مشکلات اقتصادی، نا امنی و از طریق اطلاع دهی به مشکلات اجتماعی مردم پایان دهد.
- ✓ و اخیراً این که مساجد و مدارس ما باید در محور بی سواد و توسعه خواندگی و سواد در کشور، در کنار مراجع حکومتی فعال گردیده و این کار را به عنوان یک وجیبه دینی و عبادت اجتماعی به پیش ببرند، چرا که مردم ما؛ مسلمان و مربوط به امت «اقرأ» می باشد.